

# گنه کرد در بلخ آهنگری؛ به شوستر زدند گردن مسگری

مشکلات نمایش "درباره الی... " به دلیل بازی گلشیفته فراهانی

چاپ شده در : روزنامه اعتماد

زمان انتشار : دی ماه ۱۳۸۷

این یادداشت با عنوان فرعی «درباره الی ده‌ها ویژگی مهم‌تر از حضور گلشیفته فراهانی دارد»، چند روز پیش از شروع بیست و هفتمین جشنواره فیلم فجر در واکنش به ممنوعیتی که مدیران سینمایی به دلیل حضور گلشیفته فراهانی در این فیلم اعلام کرده بودند، نوشته و در روزنامه اعتماد چاپ شد.

\*

\*

این را همه شنیده‌اید: از امام علی(ع) نقل است که فرمود «نبینید که حرف می‌زند. ببینید چه می‌گوید». یکی از تعبیر چندگانه ما می‌تواند این باشد که سایر اعمال و ابعاد ناراست آدم‌ها نمی‌تواند بر صحت و سلامت حرف درستی که گاه ممکن است به زبان بیاورند، خدشه وارد کند. تعبیر دیگری در همین امتداد، می‌تواند این گونه باشد که حتی اعمال ناروای آدمی عمل نیک او در زمانی دیگر را بی‌اثر نخواهد کرد؛ چه رسد به این که عمل فرضاً ناپسند یکی بخواهد کارنامه اعمال آدمی دیگر را سیاه یا کارش را موقوف سازد.

به گمانم مضمون این یادداشت و نوع نگاه پیشنهادی‌اش تا همین جا روشن است. قصد مظلوم‌نمایی یا حاشیه‌روی یا جنجال‌سازی در بین نیست. این واقعیتی سینمایی است که فیلم «درباره الی» نمی‌تواند بابت فیلم آمریکایی دیگری که گلشیفته فراهانی بعد از حضور در فیلم اصغر فرهادی در آن بازی کرده، مجازات شود. آن فیلم و این بازیگر نه تنها ربطی به حرف و حس انسانی و اخلاقی بسیار عمیق و ظریف فیلم فرهادی ندارند، بلکه حتی نقش فراهانی در فیلم نیز کلیدی و اساسی نیست. به جای او مثلاً باران کوثری یا پگاه آهنگرانی یا هر بازیگر زن جوان دیگر که ریتم تندی داشته باشد و بتواند دیالوگ‌هایش

را به جای خطابه‌گویی برخی بازیگران قدیمی‌تر، توی هم و در عین حال واضح بگوید، می‌توانست نقش سپیده را در فیلم بازی کند. وقتی فیلم «درباره‌الی» منهای همین یک عضو از مجموعه ده دوازده نفری بازیگرانش و کل چهل پنجاه نفر گروه سازنده‌اش، هیچ ویژگی دردرساز مضمونی و اجتماعی و سیاسی ندارد و حتی در قیاس با «چهارشنبه سوری»، با وجود دغدغه‌های انسان‌شناسانه و روانشناختی گسترده‌تر از آن فیلم، مسئله حساس و ملتهدی چون خیانت هم به آن شکل در کانون روایتش نیست، چگونه می‌توان روا دانست که فقط از همین یک حفره ناخواسته، چنین شدید گزیده شود؟

فیلم «دیوار» محمدعلی طالبی با بازی فراهانی در نقش دختر موتورسواری که دیوار مرگ را دور می‌زند، درست یک هفته پیش از اعلام نشدن نام «درباره‌الی» در فیلم‌های بخش مسابقه جشنواره بیست و هفتم، وارد شبکه ویدئویی شد. چگونه است که فیلم خنثی و زیرمتوسطی چون آن، برای این که در دستگاه نمایش خانگی مردم رؤیت شود، مشکلی ندارد و مسئله‌ی ایجاد نمی‌کند؟ و مگر اساساً میان آن فیلم و فیلم فرهادی و هر فیلم قدیمی‌تری که فراهانی در سال‌های پیش از خروج از ایران بازی کرده بود، به لحاظ ارائه تصویر فراهانی، تفاوتی هست؟ مگر می‌توان این نام و بازی‌های مختلفش را از تاریخ سینمای ایران حذف کرد که حالا فکر می‌کنیم با نمایش فیلم تازه کامل‌شده فرهادی، نباید تماشاگر را به یاد فراهانی بیاندازیم؟ اصلاً چرا باید سرنوشت فیلمی چنین بی‌مشکل به رفتار و تصمیم یکی از بازیگران آن که به زندگی شخصی و شغلی خودش مربوط می‌شود و ربطی به نقش و حضورش در این فیلم ندارد، پیوند بخورد؟

اینها برای شخص من به‌ویژه از این جهت تلخ و غمبار می‌نماید که معتقدم مضمون اصلی یا یکی از درونمایه‌های ارزشمند انسانی «درباره‌الی» همین است که ما در زندگی‌های شهری معاصر و روابط میان افراد، مدام یکی را بابت مجموعه رفتارها یا خطاها یا راست نگفتن‌های دیگری یا دیگران قضاوت می‌کنیم و زیر سؤال می‌بریم. آن جا که یکی از شخصیت‌های جمع حاضر در ویلای لوکیشن اصلی فیلم، جایی

نزدیک به اواخر آن، مهم‌ترین حرف راست قصه را نمی‌زند، قضاوت طرف مقابل که انتظار آن حرف دارد جانش را می‌گیرد، یکسره به همین لحظه وابسته می‌شود. او احتمالاً درباره الی بر مبنای خطاهای دیگران قضاوت می‌کند و نمی‌داند که اصل ماجرا به گونه‌ی دیگری بوده. ولی ما که داریم درباره «درباره الی» چنین قضاوت می‌کنیم، می‌دانیم که سازنده‌اش مطلقاً سهم و شراکتی در تصمیم فرضاً خطای دیگری و دیگران نداشته است. با وقوف به این امر اگر سینمای ایران و علاقه‌مندان پیگیرش را از این فیلم و ساختار سنجیده و وجوه انسانی‌اش محروم کنیم، آیا نامه اقرار به داوری بی‌رحمانه و نامنصفانه خویش را امضا نکرده‌ایم؟ و آیا رفتاری متین‌تر از این که فرهادی با این موضوع و خود فیلم با مضمون مشابه‌اش کرده و می‌کند، قابل تصور است؟ و آیا اینها نباید جایی میان تشخیص خیرخواهان و مغرضان، تأثیری بگذارد؟